



نقش نقل و انتقال قضات در پیشگیری از جرائم و تخلفات قضات

مؤلف
واهب لطفی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	: لطفی، واهب، ۱۳۶۹ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: نقش نقل و انتقال قضاات در پیشگیری از جرائم و تخلفات قضاات/مولف واهب لطفی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۸۸-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۱.
موضوع	: قاضیان -- ایران -- خطای شغلی
موضوع	: Judges -- Iran -- Malpractice
موضوع	: قاضیان -- ایران -- جرائم علیه
موضوع	: Judges-- Iran -- Crimes against
موضوع	: مسوولیت جزائی -- ایران
موضوع	: Criminal liability-- Iran
رده بندی کنگره	: ۱۶۱۰.KMH
رده بندی دیویی	: ۵۵۰.۱۴/۳۳۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۱۲۹۰۹

انتشارات قانون یار

نقش نقل و انتقال قضاات در پیشگیری از جرائم و تخلفات قضاات

تألیف: واهب لطفی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۸۸-۷

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

۶۶۹۷۹۵۲۶ ۶۶۹۷۹۵۱۹

هذا من فضل ربي

تقديم به

اسوه بشرية رحمة للعالمين و مربى انسان كامل خاتم النبيين
حضرت محمد صلى الله عليه و آله

• دوازده الگوى بشرية و مربى انسان كامل و جانشينان خاتم
النبيين

• مادر ولايت و الگوى بشرية حضرت زهرا سلام الله عليها

• مظلوم عالم و آخرين مربى انسان از سوى خدا در زمين بقية الله
الاعظم حضرت مهدى عج الله فرجه



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه	۱۱
فصل اول.....	۱۷
مروری بر مفاهیم پیشینه موضوع و مبانی نظری موضوع.....	۱۷
مبحث اول : مفاهیم و اصطلاحات	۱۷
گفتار اول: قاضی	۱۸
گفتار دوم: مسئولیت.....	۱۹
گفتار سوم: نقل و انتقال	۱۹
بند اول: مفهوم نقل و انتقال.....	۱۹
بند دوم: انواع نقل و انتقال.....	۲۰
گفتار چهارم: جرایم و تخلفات قضات	۲۱
بند اول: جرایم.....	۲۱
بند دوم: تخلفات	۲۲
بند سوم: تفاوت تخلف و جرایم	۲۳
مبحث دوم: سابقه تاریخی و تقنینی موضوع	۲۷
گفتار اول: سابقه تاریخی نقل و انتقال قضات	۲۸
گفتار دوم: سابقه تقنینی نقل و انتقال قضات	۳۱
مبحث سوم : مبانی نظری موضوع.....	۳۳
گفتار اول: اهمیت شغل قضا.....	۳۳
گفتار دوم: بررسی دیدگاه ها	۳۶
بند اول: دیدگاه فقه اسلامی در خصوص تخلفات قضات.....	۳۸
بند دوم: دیدگاه قوه نظارت بر تخلفات قضات.....	۴۰
گفتار سوم: مبانی قانونی تخلفات قضات	۴۱



بند اول: انواع جرائم ارتكابی ۴۱

بند دوم: مصونیت از جرائم ارتكابی قضات ۴۲

بند سوم: مسئولیت‌های قاضی ۴۹

بند چهارم: نظارت بر رفتار قضات ۵۶

فصل دوم ۵۹

جرائم و تخلفات قضات و علل وقوع آنها ۵۹

مبحث اول: بررسی جرائم قضات و تبیین آن ۵۹

گفتار اول: بررسی استقلال قضایی در ایران ۶۰

گفتار دوم: جرائم قضات در راستای نقل و انتقال ۶۱

بند اول: جرائم مرتبط با وظایف قضات ۶۷

مبحث دوم: بررسی علل و عوامل تخلفات ۷۰

گفتار اول: علل و عوامل تخلفات قضات در ارتباط با نقل و انتقال ۷۱

بند دوم: نقض اصول اخلاق قضایی و شرافت حرفه ای ۷۷

مبحث دوم: علل و عوامل درون سازمانی نقل و انتقال قضات و عوامل موثر بر تخلف آنان ۹۴

گفتار اول: کثرت قوانین و پراکندگی در آن ۹۴

گفتار دوم: فقدان اصل تخصص در دادرسی ۹۵

گفتار سوم: کثرت موجودی پرونده ها ۹۸

گفتار چهارم: تصدی نابجا و زودرس در مناصب قضایی ۱۰۰

گفتار پنجم: وحدت قاضی ۱۰۱

گفتار ششم: اختیارات قاضی ۱۰۲

گفتار هفتم: استرس شغلی ۱۰۴

مبحث سوم: علل و عوامل بیرون سازمانی نقل و انتقال قضات و عوامل موثر بر تخلف قضات

..... ۱۰۷

گفتار اول: مداخله سایر قوا در امر قضا ۱۰۷

گفتار دوم: فشارها اجتماعی ۱۰۸



فصل سوم ۱۱۱

سازوکارهای پیشگیری از جرایم و تخلفات قضات از طریق نقل و انتقال ۱۱۱

مبحث اول: اقدامات موثر پیشگیری از تخلفات قضات در راستای نقل و انتقال ۱۱۲

گفتار اول: رفع اشکالات قوانین در راستای حمل و نقل قضات ۱۱۲

گفتار دوم: نظارت بر قوانین ماهوی در راستای نقل و انتقال قضات ۱۱۴

گفتار سوم: تدابیر موثر در خصوص قوانین شکلی ۱۱۶

گفتار چهارم: ساماندهی تشویقات و تنبیهات قضات ۱۱۸

مبحث دوم: تحکیم جایگاه قاضی در نظام قضایی ایران در خصوص جرایم مالی ۱۱۸

گفتار اول: سازو کارهای پیشگیری از تخلفات قضات ۱۱۹

بند اول: مستحکم نمودن جایگاه قاضی در حقوق ایران ۱۱۹

بند دوم- جایگاه و مقبولیت شغل قضاوت ۱۲۱

گفتار دوم: جابه جایی قضات در روند نقل و انتقال ۱۲۳

مبحث سوم: بررسی علل و عوامل تخلف و جرائم قضات در ارتباط با حمل و نقل قضات ۱۲۷

گفتار اول: ناکارآمدی ضابطین دادگستری ۱۲۷

گفتار دوم: بیمعیاری در جذب ضابطین دادگستری ۱۲۸

گفتار سوم: اقتدار گرایی ضابطین دادگستری ۱۲۹

گفتار چهارم: عدم استفاده از علوم و فنون نوین روز در فرایند دادرسی ۱۳۱

نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۳۳

نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.

پیشنهادات ۱۳۶

منابع و مأخذ ۱۴۰

پیشگفتار

نقل و انتقال قضات، دستورالعمل تعیین ضوابط انتخاب محل خدمت و نحوه نقل و انتقال قضات به منظور تسهیل در اجرای بند ۳ از اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد هماهنگی لازم در امور فوق‌الذکر به عنوان فرآیند فعالیت های مختلف قضات اعم از آموزش و کسب تجربه و یا ارایه خدمت بوده که در راستای این امر تردیدی وجود ندارد که قاضی مانند هرانسان دیگر تخلف کند. قانونگذار در مقام چاره جویی نسبت به تخلفات قضایی و احکام مخالف اصول یا قوانین یا ادله یا مستندات، راههایی را برای یک سری از اشخاص قائل شده است. اما تخلف و جرایم قضات نه تنها در ارتباط با نقش نقل و انتقال آنان بلکه در خصوص مزایای حقوقی و رفاهی نیز تخلف انجام پذیرفته و به لحاظ تأثیر گذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف عمومی جامعه بیش از خطاهای دیگر باید مورد ملاحظه و توجه قرار بگیرد، اساساً در نظام جمهوری اسلامی ایران نظارت بر حسن اجرای قوانین در حیثی امر قضا، از وظایف قوه قضاییه است. این وظیفه از طریق نظارت مراجع عالی بر آراء دادگاه ها صورت می گیرد، لذا شناسایی علل و عوامل شکل دهنده جرایم قضات از اهمیت خاصی برخوردار است و قبل از برخورد های تحکمی، بایستی ریشه را شناسایی کرد. کتاب حاضر با هدف بررسی نقش و انتقال قضات در پیشگیری از تخلفات قضات که به روش توصیفی و اسنادی کتابخانه ای به جمع آوری و ارایه ی اطلاعات در این زمینه پرداخته؛ سعی شده ابتدا با تعریف واژه قاضی، نقل و انتقال و تخلفات، به نقش نقل و انتقال قضات در جرایم و تخلفات قضات و برخی علل و عوامل مؤثر بر تخلفات قضات و راه های پیشگیری از تخلفات در دو بخش کیفری و جرمشناختی پردازد. با مطالعه این اهداف نتایج حاصل از کتاب نشان می دهد نقل و انتقال قضات می تواند از جرایم و تخلفات مربوط به فرایند کار قضات در اعمال انجام وظایف جلوگیری نماید لازم به ذکر است این امر زمانی مؤثر واقع می گردد که تامین نیازهای قضات از نظر اقتصادی، رفاهی و هم از نظر اجتماعی مورد مقبول قضات قرار گیرد.

مقدمه

نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضائی آنها در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ در طی پنج فصل و ۵۵ ماده و نحوه اجرای آئین نامه اجرائی نظارت بر رفتار قضات مصوب سال مذکور در پنج فصل و ۵۲ ماده آورده شده است. لذا کتاب حاضر در صدد آن است به نقش نقل و انتقال قضات در پیشگیری از تخلفات و جرایم قضات در چهارچوب قوانین ایران پردازد. محور بررسی در ارتباط با طولانی شدن جریان رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی، از جمله معضلات و کاستی ها و نواقص ریشه دار در پیکره دستگاه قضایی در ارتباط با نقش نقل و انتقال قضات در کشور ما می باشد. از همین رو علل و اسباب متعددی در ایجاد تخلفات قضایی دست به دست هم داده اند و باعث شده که اطاعه دادرسی تبدیل به یکی از دغدغه های مردم و مسئولان دستگاه قضایی شود. قوه قضائیه یکی از قوای سه گانه کشور است که قانون اساسی کشور به موجب اصل ۱۵۶ وظایف مهم و حساس و متعددی برای آن احصاء کرده است و این قوه از لحاظ جایگاه و شأن و منزلت در مرتبه بالایی قرار دارد و اصل ۵۷ ق.ا. نیز به استقلال این قوه در مقابل سایر قوا تصریح نموده است. و این قوه از بعد نظارتی عالی ترین مرجع نظارت بر کار کلیه دستگاهها و سازمانها و ادارات محسوب می شود. یعنی از طریق سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری نقش مذکور را ایفا می کند تا این که سلامت کار سایر دستگاهها را تضمین نموده و از اجرای هرگونه آیین نامه و تصویب نامه خلاف قانون نیز جلوگیری به عمل آورد. (قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲) در خلاصه وظایف به عهده قوه قضائیه نظارت بر حسن اجرای قوانین و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع محور موضوع مورد بررسی را شامل می شود. همچنین برخی از جرایم و یا تخلفات قابل ذکر در این مجال، که مربوط به رسیدگی قضایی است عبارتند از: خروج قاضی از بی طرفی در انجام وظایف قضایی، که این مهم در بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات بیان شده است. آن گاه این مورد یعنی خروج قاضی از بی طرفی می تواند مصادیق عدیده ای داشته باشد و به اشکال گوناگون



بروز کند. مجازات این امر می‌تواند بسته به شرایط از انفصال موقت تا انفصال دائم از خدمت قضایی باشد. یکی از دیگر موارد تخلف که متأسفانه گاهی هم شاهد آن هستیم «صدور رای غیر مستند یا غیر مستدل» می‌باشد. گاهی قضاات بدون دلیل موجه و یا بدون تطبیق موضوع با مواد استنادی آرای صادر می‌کنند که سبب بی‌نتیجه بودن روند رسیدگی و آثار سوء دیگر می‌شود. رای باید مستند و مستدل باشد که تخلف از این امر می‌تواند سبب تنزل پایه قضایی قاضی گردد. همچنین رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی از دیگر موارد تخلف می‌باشد. گاهی قاضی باید و می‌تواند به پرونده‌ای رسیدگی کند، ولی برای سهولت کار قرار عدم صلاحیت می‌زند و پرونده را به جای دیگر ارجاع می‌دهد. به خصوص با تغییرات و اصلاحاتی که سال‌های اخیر انجام شده، به گونه‌ای گاه صلاحیت‌ها افزایش یافته ولی باز برخی به همان روش سنتی سابق؛ برای آسانی کار خود عمل می‌کنند. بنابراین در راستای کتاب حاضر ابتدا به بخش کلیات موضوع اشاره می‌شود و پس از روشن شدن اهداف موضوع وارد مراحل بعدی شده و مفصل به تفسیر فرضیه‌ها و اهداف این موضوع پرداخته می‌شود. از جمله مشاغلی که در دین مبین اسلام و دیگر ادیان الهی و در جوامع متمدن امروزی به آن توجه ویژه‌ای شده است، شغل قضاء است. به همین دلیل اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صفات و شرایط قاضی، مصونیت قضاات و نحوه جبران خسارات ناشی از تقصیر و یا اشتباه قاضی اختصاص پیدا کرده است. (احمد پور، ۱۳۹۴: ۳۹)

همچنین جلوگیری از وقوع تخلفات قضاات از جمله مباحث و موضوعاتی است که توجه قوه قضاییه را نیز در کشور به خود جلب کرده است. (بهره مند، ۱۳۹۳: ۳۰) هر جامعه‌ای در دنیای امروز بخش مهم و قابل توجهی از توانایی خود را صرف تأمین سلامت زندگی اجتماعی می‌کند و یکی از مهمترین ابعاد سلامتی زندگی اجتماعی و فردی، تلاش برای پیشگیری از وقوع تخلف و جرم است از این رو بیش از چند دهه است که دنیا به این نتیجه رسیده که راه پیشگیری از جرم و تخلف نمیتواند متکی بر پیشگیری وضعی، پیش‌گیری پلیس محور، پیشگیری کنترل بیرونی و کنترل کیفری باشد، به عبارت دیگر نظام‌های حقوقی مختلف در جهان به این نتیجه رسیده‌اند که ارتکاب جرم، یک اتفاق، حادثه و واقعه ناگهانی نیست بلکه



یک مسیر و روند است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۴۱) یکی از موارد تخلفی که متأسفانه گاهی هم شاهد آن هستیم «صدور رای غیر مستند یا غیر مستدل» می‌باشد. گاهی قضات بدون دلیل موجه و یا بدون تطبیق موضوع با مواد استنادی آرای صادر می‌کنند که سبب بی‌نتیجه بودن روند رسیدگی و آثار سوء دیگر می‌شود. لذا رای صادره باید مستند و مستدل باشد که تخلف از این امر می‌تواند سبب تنزل پایه قضایی قاضی گردد. همچنین رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی از دیگر موارد تخلف می‌باشد. گاهی قاضی باید و می‌تواند به پرونده‌ای رسیدگی کند، ولی برای سهولت کار قرار عدم صلاحیت می‌زند و پرونده را به جای دیگر ارجاع می‌دهد. به خصوص با تغییرات و اصلاحاتی که سال‌های اخیر انجام شده، به گونه‌ای گاه صلاحیت‌ها افزایش یافته ولی باز برخی به همان روش سنتی سابق؛ برای آسانی کار خود عمل می‌کنند. مثلاً؛ دادگاه‌های امور خانواده و یا دادگاه‌های صالح برای رسیدگی به چک‌های بی‌محل و نیز دعاوی ناشی از امور بازرگانی، از جمله اموری هستند که در چند مرجع، قابلیت رسیدگی دارند و دادگاه‌ها نباید آن‌ها را بی‌جهت به عنوان عدم صلاحیت رد کنند و یا بالعکس مواردی که نباید رسیدگی کنند، این خود از موارد انجام تخلف «رعایت نکردن صلاحیت رسیدگی» می‌باشد که مجازات آن از کسر حقوق قاضی، نقل و انتقال تا تنزل پایه قضایی می‌تواند باشد. (کی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۰۹)

یکی از مسائل مهم و اساسی پیش روی این کتاب تخلف قضات به دلیل عدم بر خورداری از نظارت کافی است. قضات و دادگاه‌ها در جایگاه حساس و مهمی قرار دارند. چون به احقاق حقوق مردم می‌پردازند. ولی این جایگاه مهم نیاز به نظارت و حفاظت دارد. لذا برای نظارت و کنترل رفتار قضات و دادگاه‌ها، قانونگذار تدابیری اندیشیده است که عبارت است از «قانون نظارت بر رفتار قضات» که برای همین منظور تدوین و تصویب گشته است اما آیا این قوانین به تصویب رسیده‌اند؟ جرایم و تخلفات احتمالی ناشی از شغل آنان را بیان کرده است؟ ممکن است قاضی در انجام وظایف خود از قانون مربوط به بی‌طرفی در انجام وظایف قضایی، مثلاً به علت نقل انتقال دوره ای خود که در اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی



نیز به آن اشاره گردیده نارضایتی داشته و در انجام وظایف تخلف کند. لذا با توجه به خدمت قاضی بر اساس قانون نقل و انتقال دوره ای قضاات با توجه به تعهدی که در زمان استخدام داشته است بر اساس همین تعهد باید به تعهدات خود عمل نموده و پایبند به قانون نقل و انتقال خود که در ماده ۱ قانون اساسی ایران بیان داشته؛ نقل و انتقال دوره ای قضاات به ترتیب مقرر در این قانون انجام می شود. یا در ماده ۲ بیان شده است؛ کلیه کسانی که از تاریخ تصویب این قانون با پایه قضایی به استخدام قوه قضاییه در می آیند موظفند در هریک از محل های استقرار واحدهای قضایی درجه ۳، ۲ و ۱ (موضوع ماده ۳ این قانون) به مدت پنج سال انجام وظیفه نمایند. باشند. (قانون نظارت بر رفتار قضاات مصوب ۱۳۹۲) پس بنابراین رعایت خدمت در واحدهای قضایی فوق الزامی است. از طرفی ممکن است قاضی در بدو خدمت، قوانین را پذیرفته ولی به دلایل مختلفی مثلاً اختلافات یا مشکلات شخصی مجبور به نقل و انتقال است و مقامات بالای قضایی بر اساس قوانین نقل و انتقال دوره ای قضاات با درخواست انتقال وی موافقت ننموده و این خود منجر به تخلف در انجام وظایف گردد. (جویباری، ۱۳۸۸: ۴۰) از مسائل مهم دیگر در راستای کتاب حاضر مسئولیت انتظامی قضاات است. (زندى، ۱۳۸۹: ۲۲) در این نکته هیچکس تردید ندارد که قاضی مانند هرانسان دیگر در معرض اشتباه و انحراف است. با همه دقتها و وسوسههایی که قضاات مراعات مینمایند، گاه اشتباهات و خطاهایی در تطبیق موضوعات با احکام و فهم مستندات و احصاء دلایل و نظایر اینها رخ میدهد که در هر کار بشر این امر طبیعی است. قانونگذار در مقام چاره جویی نسبت به اشتباهات قضایی و احکام مخالف اصول یا قوانین یا ادله یا مستندات، راههایی را برای یک سری از اشخاص قائل شده است. اگر در دستگاه قضایی میزان تخلف و فساد زیاد شود، جامعه با یک فاجعه واقعی رو به رو است، زیرا بر اساس قاعده، جامعه قضاات شاخص ترین افراد جامعه هستند و بروز تخلف و انحراف در چنین قشری، مشکلی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. در گذشته فرض بر این بوده که قاضی بیش از کارکنان سایر نهادها به مصالح اجتماعی، پای بند است، اما تجربه سالهای اخیر نشان میدهد که تخلف قضاات در بخش دستگاه قضایی گسترش فساد بیشتری دارد، (آمار تخلف دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضاات) رو به فزونی



است. (یعقوبی، ۱۳۹۵: ۷۷) از این رو تخلفات انتظامی قضات اگر چه ممکن است در مقایسه با جرایم دیگر نظیر قتل و سرقت، رعب انگیز نباشد، اما به لحاظ تأثیر گذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف عمومی جامعه بیش از خطاهای دیگر باید مورد ملاحظه و توجه قرار بگیرد، به تعبیر دیگر، بارزترین انحراف قاضی به معنای عام، زیادت‌تر از حد طبیعی بودن تخلفات انضباطی وی است. اساساً در نظام جمهوری اسلامی ایران نظارت بر حسن اجرای قوانین در حیثی امر قضا، از وظایف قوه قضاییه است. این وظیفه از طریق نظارت مراجع عالی بر آراء دادگاهها صورت می‌گیرد. لذا شناسایی علل و عوامل شکل دهنده جرایم قضات از اهمیت خاصی برخوردار است و در کنار آن بیشتر باید به این جرم رسیدگی و باید مجریان مجرم را محاکمه کرد و در کنار آن از مصونیت شغلی نیز باید برخوردار باشند. مثلاً در اصل ۱۶۴ قانون اساسی ایران آمده است که نمی‌توان قاضی را از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد. این اصل مؤید مصونیت شغلی است. مصونیت شغلی به این معناست که قانون کیفری در مورد فرد دارنده‌ی مصونیت اجرا می‌شود و مرتکب، قابل مجازات است لیکن تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب مستلزم رعایت تشریفات خاص است. تشریفات خاص تعقیب قضات موجب می‌شود آنها در دادرسی‌های خود جانب بی‌طرفی را رعایت کنند و در صدور رأی مستقل باشند. همچنین بسته به نوع جرم اتفاق افتاده نحوه اعمال مجازات با درجات مختلفی است در واقع، هر کدام از تخلفات انتظامی قضات نوع خاصی مجازات دارند. تعدادی از این تخلفات در مورد رفتار قضات با مراجعین، تعدادی در مورد حسن انجام کار و وظایف دیگر دادرس است. خفیف‌ترین درجه از مجازات یعنی مجازات‌های درجه یک تا چهار هستند که عبارت‌اند از: توبیخ کتبی بدون درج در سابقه‌ی خدمتی، توبیخ کتبی با درج در سابقه‌ی خدمتی، کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از یک ماه تا شش ماه، کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از شش ماه تا یک سال برای تخلفاتی که کمترین درجه اهمیت را دارند. با توجه به مسائل فوق مواردی که می‌تواند در پیشگیری از تخلف و جرایم قضات در ارتباط با نقل و انتقال آنها موثر واقع گردد یکی بر خورداری از نظارت کافی بوده است، هرچقدر نظارت در سیستم قضایی بیشتر باشد



میزان تخلفات نیز کمتر خواهد بود لازم به ذکر است نوع نظارت ها باید بر اساس کاربردی بوده همچنین از آنجا که اختلافات یا مشکلات شخصی و از طرفی برخی تخلفات قضات منجر به نقل و انتقال است و لذا این خود منجر به ایجاد جرایم بیشتر میگردد و لذا توجه به امور مختارانه قضات در مکانی که خود تعیین می کنند از میزان تخلفات آنها می کاهد. از راه های دیگر پیشگیری از تخلفات در ارتباط با نقل و انتقال آنان توجه به اصل مؤید مصونیت شغلی است قانون کیفری در مورد فرد دارنده مصونیت اجرا می شود و مرتکب، قابل مجازات است لیکن تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب مستلزم رعایت تشریفات خاص است. تشریفات خاص تعقیب قضات موجب می شود آنها در دادرسی های خود جانب بی طرفی را رعایت کنند و در صدور رأی مستقل باشند. آنچه در کتاب حاضر از عوامل مورد بررسی تخلف قضات مورد بحث و بررسی قرار گرفته نقل و انتقال و اثر نقل و انتقال در پیشگیری از تخلف قضات است همچنین در این زمینه نیز قبل از برخوردهای تحکمی، بایستی ریشه را شناسایی کرد. بعد از گذشت چندین دهه از انقلاب اسلامی، فرهنگ پیشگیری در رفتار و گفتار قضات و آحاد مردم کشور شکل گرفته که بسیار ارزشمند است. اگر در جامعه دادگستری هم افزایی باشد خیلی سریعتر می توانیم از فضاهای ناهنجار قضات رهایی یابیم. مدیریت اشتراکی باید فرمول نصب العین مسولان دست اندرکار حوزه پیشگیری باشد. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قضات در ارتباط با نقل انتقال قضات بر باید از انجام کارهای هیجانی و اتفاقی که رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تاکید دارند خوداری نموده و بجای آن با دعوت از پژوهشگران و دانشگاهیان از نظرات مبتنی بر تحقق اهداف قضات و جلوگیری از جرم آنان استفاده کرد اکار پیشگیری از جرم قضات یک هدف ضروری است چرا که به دلیل موقعیت حساس شغلی آمار آسیب های اجتماعی حتی اگر هم بسیار اندک باشد بالا خواهد بود.

فصل اول

مروری بر مفاهیم پیشینه موضوع و مبانی نظری موضوع

رسم معمول آن است که بحث پیرامون یک موضوع نیازمند آشنایی و روشن گرداندن مفاهیم آن موضوع می‌باشد. تا خواننده را آگاهی نسبی حاصل آید و آمادگی ورود به بحث اصلی را پیدا نماید این موضوع زمانی خود را بیشتر نمایان می‌سازد که اصطلاحات فنی باشد و علم به آن در این حالت از اصول اولیه است، در موضوع مورد بحث مفاهیم آن از اهمیت اساسی و شایان توجه برخوردار می‌باشد و بدون اطلاعات اولیه مقصود مطلوب را نخواهیم یافت، نکته دیگر آنکه سعی بر این بوده است که بیان این مفاهیم به نحوی ساده و مختصر انجام گیرد و آنقدر که به کارما می‌آید بحث شود و از توضیحات اضافی و بدون ارتباط خودداری شود. در این مبحث این مفاهیم به اختصار تعریف می‌شوند. پس در ابتدا، ارائه تعریفی از قاضی و مسئولیت‌های آنان مورد توجه قرار می‌گیرد و با عنایت به اینکه تخلفات قضات امکان طرح و بررسی دارد لذا ارائه تعریفی از مراحل فوق نیز ضروری به نظر می‌رسد.

مبحث اول : مفاهیم و اصطلاحات

گزاره‌های علمی، معمولاً بر حسب اصطلاحاتی مانند جرم، حد، انگیزه و مانند اینها بیان می‌شوند. این اصطلاحات برای این که کافی باشند، باید دارای معانی مشخصی باشند؛ تا اطمینان حاصل شود که گزاره‌های آنها به گونه‌ای مناسب، قابل تفسیر هستند و می‌توان آنها را



در کار تبدیل، پیش‌گویی و پس‌گویی، به کار برد (خاکی، ۱۳۸۴، ۴۰). معمولاً برای اشاره به هر چیز خاص، نام، نشانه، یا نمادی خاص به کار می‌رود؛ اما بین این نمادها و مفاهیمی که این نمادها نماینده آنها هستند، تفاوت وجود دارد. علت اساسی ابهام موجود در بسیاری از مسائل، وجود واژه‌ها و اصطلاحاتی است که به گونه‌ای نارسا تعریف شده‌اند. گاهی برخی مسائل که به ظاهر حل‌نشده تصور می‌شوند، به دلیل عدم وضوح مفاهیم است و اگر بدانیم که مقصود از اصطلاحات یا واژه‌هایی که در بیان آنها به کار رفته، چیست، حل‌شدنی خواهند بود؛ در این بخش به مفاهیم مورد بررسی نقل و انتقال قضاات و جرایم و تخلف آنان؛ پرداخته شده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. نظر به اینکه در شروع هر بحث، تعریف موضوع، تعیین اصول و قواعد حاکم بر آن و تعیین قلمرو بحث ضرورت دارد، لذا ابتدا به بررسی تعاریف و مفاهیم پرداخته می‌شود.

گفتار اول: قاضی

قاضی از فاعل قضاء و در لغت به معنی داور، حکم‌کننده، حکم‌آمده است (لغت‌نامه دهخدا؛ ۱۳۷۹) در اصطلاح فقه؛ قاضی کسی است که میان مردم حکومت کند و در مورد اختلاف و نزاع، فصل خصومت نماید. (حلی، ۱۳۷۹: ۳۱۱). در اصطلاح مفهومی، قاضی کسی یا شخصی است که به تنهایی یا به عنوان عضوی از هیئت قضاات، مدیریت یا ریاست دادگاه را بر عهده دارد و به قضاوت می‌پردازد و مسئولیت صدور حکم با وی است. قاضی کسی است که به شغل قضا و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۹۹) و لفظ قاضی شامل تمامی قضاات اعم از قضاات دادگاههای بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، دادگاه انقلاب، نظامی، ویژه روحانیت، دادستان‌ها، معاونان ایشان، بازپرس‌ها و دادیارها می‌گردد (مازندرانی، ۱۳۹۰: ۱۳۹) به عبارتی دیگر واژه قاضی، به معنای حکم‌کننده است، یعنی کسی که میان مردم حکومت می‌کند و در مورد اختلاف و نزاع فصل خصومت می‌کند و به واسطه فیصله دادن و اینکه امر را تمام می‌کند او را قاضی می‌نامند (حلی، ۱۳۷۹، ۳۴۹) در کتاب ترمینولوژی حقوق در خصوص این لغت آمده است؛ کسی که به شغل قضا و



فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد، در همین معنی دادرس نیز استعمال می گردد. قاضی در اصطلاح فقه کسی است که میان مردم حکومت کند و در مورد اختلاف و نزاع، فصل خصومت نماید. (لیوانی، ۱۳۹۴: ۶۵)

گفتار دوم: مسئولیت

از نظر لغوی « مسئولیت » یعنی از کار و فعل انجام شده مورد سؤال واقع شدن. ریشه آن سأل یسأل است. مسئولیت حالتی است که انسان در آن از عمل خود مؤاخذه میشود و آن عمل یک اختلال در قاعده است، حال اگر قاعده حقوقی باشد مسئولیت حقوقی است. (عاطف؛ ۱۹۸۴: ۱۵) در جای دیگر به معنی پرسش و سؤال شدن است و غالباً به مفهوم تفکیک وظیفه و آنچه که انسان عهده دار و مسئول آن باشد. (امامی: ۱۳۷۴: ۲۱) در فرهنگ فارسی معین مسئول به معنی امر خواهش شده، کسی که فریضه ای بر ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می شود (عمید ۱۳۷۵ : ۱۷۲۱) در مفردات راغب مسئول به معنی خواهش، درخواست و پرسش است و همچنین در فرهنگ نفیس مسئول کسی است که از وی سؤال کنند و درخواست نمایند (رضایی، ۱۳۹۳: ۴۹)

گفتار سوم: نقل و انتقال

نقل . [نَ] [ع مص] از جائی به جائی بردن . نقل به معنای حالت حاصل از انتقال لفظ از معنای اصلی به معنای دیگر نیز می باشد. لذا آنچه در کتاب حاضر به آن پرداخته شده است عبارت است از انتقال نیروی انسانی است نه شی انتقال در این تعریف به معنای جابه جا شدن، از مکانی به مکان دیگر رفتن است. (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۹)

بند اول: مفهوم نقل و انتقال

درواقع منظور از نقل و انتقال مفهومی است که از مکانی به مکان دیگر رفتن است. انتقال به معنی تغییر محل خدمت یا تحصیل یک فرد از یک سازمان یا دانشگاه در همان سمت یا به



همراه تغییر سمت دیگر است. انتقال دارای انواعی است که در ادامه به انواع نقل و انتقال اشاره می شود.

بند دوم: انواع نقل و انتقال

در حالت کلی دو نوع انتقال وجود دارد؛

الف) انتقال اجسام و اشیاء؛ یکی انتقال اجسام و شیء که دارای انواع مختلفی است مثلاً؛ انتقال کمد، ماشین، گرما، انرژی و غیره

ب) انتقال حقوقی و خصوصی افراد؛ که این خود به دو قسم ۱. انتقال قهری ۲. اختیاری تقسیم می شود.

۱. انتقال قهری

انتقال قهری به دو شکل قابل تصور است:

۱. در زمان حیات (با حکم مقام قضایی به نفع محکوم‌له) اگرچه می توان این نوع انتقال را نیز قراردادی تلقی کرد؛ زیرا حاکم به جای ممتنع سند انتقال را از باب قاعده «الحاکم ولی الممتنع» امضاء می کند.

۲. در دوره پس از حیات (از طریق ارث). (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۵).

۲. انتقال اختیاری

مراد از انتقال اختیاری یا ارادی، نقل و انتقال در قالب یکی از انواع قراردادها است.

(اصغری، ۱۳۹۱: ۸۳)

۳. انتقال اداری یا قضایی

نقل و انتقال اشخاص به منظور انجام وظایف سازمانی به نحوی که این انتقال به منظور ارتقاء به سمت بالا یا پایین توسط یک سازمان انجام پذیرد. بر اساس آئین نامه اجرائی نحوه